

پیدائش خط میخی فارسی باستان (۲)

بنظر من پیدائش خط میخی فارسی باستان بہ اثر بزرگ داریوش در بیستون مربوط میشود۔ اینک میخوام نظریہ خود را با درج پنج مرحلہای کہ این اثر در راه تکامل خود پشت سر دارد بیان نمایم۔

- ۱ - پروفیسور والتر ہینتز Prof. Dr. walther Hinz ایرانیشناس نامدار مقالات زیادی دربارہ فارسی باستان دارد کہ بیشتر آنها بمنزلہ کلید، گشاینده بسیاری از دشواریہای فارسی باستان گردیدہ است۔
من امیدوارم کہ بترتیب اهمیت، موفق بہ چاپ ہمہ این مقالات سودمند گردم۔
برای آشنائی بیشتر با پروفیسور والتر ہینتز کہ از سال ۱۹۵۷ رئیس سمینار ایرانیشناسی دانشگاه گنورگ آوگوست گوتینگن (آلمان) میباشد نگاہ کنید بہ نوشتہ اینجناب تحت عنوان « والتر ہینتز، راهنمای کتاب ج ۱۱ ص ۵۸۱ تا ۵۸۵۔ در پایان این نوشتہ صورت تألیفات این دانشمند تا پایان سال ۱۹۶۶ آمده است۔
- ۲ - پروفیسور ہینتز ابتدا مطالب این مقالہ را در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۶۶ در تهران در اولین کنگرہ جهانی ایرانیشناسان بزبان انگلیسی ایراد نمودند سپس در سال ۱۹۶۸ پس از تجدید نظر مختصری آنرا تحت عنوان Die Entstehung der Altperischen Keilschrift. در Archaeologische Mitteilungen aus Iran. بزبان آلمانی چاپ کردند۔

در ماه دسامبر ۱۹۶۳ هاینتز لوشای Heinz Lushey به همراه لئو ترومپل من

Leo Truempelmann و آرشیکت ف. هینستن F. Hinzen.

شروع به بررسی معماری و چگونگی نقوش هنری بیستون نمودند. دلیل این بررسی در آغاز وجود کارخانه قندی در نزدیکی بیستون بود که با استفاده از داربست آن، هیئت یاد شده قادر به بررسی و تحقیق گردید. ه. لوشای در نامه‌ای بتاريخ ۱۷ ژانویه ۱۹۶۴ بمن نوشت: «ما پس از بررسی‌های خود در بیستون چنین نتیجه گرفتیم که در مرحله اول بیستون از یک پیکر کننده و یک متن ایلامی در سمت راست آن تشکیل شده بوده است. اگر چنانچه این را بپذیریم باید قبول کنیم که در مرحله اول در بیستون سوای پیکر کننده‌ها فقط متن ایلامی وجود داشته است و احتمال این امر بسیار است. بیننده نکته بین بهنگام دقت در متن‌های فارسی باستان و بابلی بیستون بخوبی در مییابد که این متن‌ها مانند وصله، هماهنگی این اثر باستانی را برهم زده و زیادی مینماید. انتظار میرفت که کامرون و شما به این موضوع دقت و توجه میکردید.»

باید اعتراف کنم که این نظریه نه تنها در گذشته توجه مرا جلب نکرده بود بلکه در قبول آن نیز رأی موافقی نداشتم. (در این بین ه. لوشای بررسی‌های خود را بنام کوشهای بیستون در آوریل ۱۹۶۵ در Bulletin of the Ancient Iranian Cultural Society, Teheran, s. 19-41 چاپ کرد.) من سرانجام پس از گفتگوئی با ل. ترومپل من، به ارزش تئوری بیستون ه. لوشای پی بردم و نظریه او را که در بحثی با ه. لوشای در میان گذاشته بود - مبنی بر اینکه در مرحله اول سوای پیکر کننده و متن ایلامی در طرف راست آن چیز دیگری وجود نداشته است - مورد دقت قرار دادم.

این نظریه دلیل جالبی از جهت باستان‌شناسی ارائه میداد که میتوانست هوید عقیده من

در مورد پیدایش خط میخی فارسی باستان و نسبت آن به داریوش باشد که آنرا در مقاله‌ای (۳) در *Zeitschrift der Deutschen Morgenlaendischen Gesellschaft* مطرح کرده‌ام. عوامل بالا مرا واداشت که موضوع را دوباره بررسی کنم و در نتیجه به تغییراتی چند در تئوری جدید دست یابم. اینک نظر خود را مبنی بر پنج مرحله تکامل بیستون بیان میکنم.

مرحله اول: این مرحله را پیکر کننده‌ها (بدون پیکر کننده سکائی خود تیز) و با نبشته ایلامی روی تصویر شاه و هشت شورشگر - یا بصورت دیگر زیر شکل خوابیده گئومتا - تشکیل میداد.

دلیل: ۱ - با نبشته‌های ایلامی سازگار باهم آهنگی تصاویر است پس لابد از ابتدا در برنامه کار بوده است.

۲ - با اینکه چهاربند اول با نبشته ایلامی تصویر داریوش با چهاربند اول سنگنبشته ایلامی داریوش که بعد نوشته شده یکی است با این وصف يك فرق مهم بین آنها وجود دارد. در با نبشته - شروع متن خیلی کوتاه و کاملاً نشان‌دهنده اندیشه - گماری داریوش است. ترجمه آن از متن ایلامی اینطور است: «من داریوش شاه پسر ویشتاب هخامنشی. شاه شاهان. من اکنون شاه هستم در پارس». جمله آخر که از خود داریوش دیکته شده است اینطور نشان میدهد که داریوش حکومت پارس را تازه بدست آورده است. و جالب اینکه در متن با نبشته ایلامی - داریوش کلمه «شاهنشاه» را که در جای دیگر هرگز از قلم نینداخته است بکار نمیبرد.

مرحله دوم: در این مرحله اثر بیستون عبارت بوده است از پیکر کننده‌ها و با نبشته‌های ایلامی باضافه سنگنبشته ایلامی در ۶۹ بند در طرف راست تصاویر.

۳ - این مقاله وسیله اینجانب بفارسی برگردانده شده است و در فرصت مناسب

پچاپ خواهد رسید.

دلیل: ۱ - زمانیکه الگوی اثر بیستون طرح شده است هنوز تصمیمی برای آوردن سنگنبشته وجود نداشته است. بعد از اینکه داریوش متن سنگنبشته را دیکته کرده است بزرگتوانسته‌اند در جای نامناسب و غیر مسطحی آنرا نقر نمایند.

۲ - تغییر لحن سخن در ابتدای سنگ نبشته نسبت به بند اول پانبشته تصویر شاه که در مرحله اول کنده شده بسیار جالب توجه است. بند اول متن جدید اینطور شروع میشود:

« منم داریوش شاهنشاه . شاه شاهان . شاه در پارس . شاه کشورها . پسر ویشناسب . نوه آرشام هخامنشی ». بند آغاز سنگنبشته جدید حکایت از تأثیر منشی آموخته داریوش دارد . متن کمی ناروان داریوش اکنون بصورت تکامل یافته‌ای تغییر شکل یافته است . جمله مهم « من اکنون در پارس شاه هستم » بصورت عنوان خالی « شاه در پارس » درآمده است .

مرحله سوم: در مرحله سوم به تصاویر و پانبشته‌های ایلامی و همچنین سنگنبشته بزرگ ایلامی ۶۹ بندی يك سنگنبشته ۶۹ بندی بابلی در طرف چپ تصاویر و پانبشته های بابلی زیر تصاویر اضافه شده است .

دلیل: ۱ - چون سنگنبشته بابلی نیز در آغاز در نظر گرفته نشده بوده است بناچار در طرف چپ تصاویر در جای نامناسبی آورده شده است .

۲ - همچنین چون پانبشته بابلی نیز قبلا در برنامه کار نبوده است و اینک پس از نقر سنگنبشته بابلی برای آن جای مناسبی پیدا نشده است از نقر آن صرف نظر شده است .

۳ - پانبشته بابلی برای گئوماتا و آسینای شورشگر، هر دو زیر پانبشته ایلامی گئوماتا آمده است .

۴ - علاوه بر مطالب سنگنبشته ایلامی بیستون در متن بابلی شماره دقیق کشته شدگان و اسیران، از دشمنان داریوش نیز داده میشود.

مرحله چهارم : (افزوده ها)

الف - افزودن يك متن بزرگ فارسی باستان در چهارستون در زیر تصاویر - اما برخلاف متن ایلامی و بابلی در هفتاد بند .

ب - افزودن پا نبشته‌های فارسی باستان به تصاویر .

ج - افزودن يك بند ایلامی (بند ۷۰) روی پانبشته ایلامی برای تصویر داریوش .

دلیل : ۱ - همانطوریکه ه . لوشای بحق ادعا میکند پا نبشته های فارسی

باستان با ناهم آهنگی در محل‌های نامناسبی در فضای بین تصاویر روی پا نبشته های ایلامی آورده شده است . برای بدست آوردن محلی برای پا نبشته فارسی ویژه شاهنشاه میبایستی زمینه متن تصاویر بطرف بالا توسعه داده شود . پا نبشته فارسی برای گئوماتا طرف چپ زیر پا نبشته ایلامی کنده شده . پا نبشته فارسی برای شورشیان Martiya , Nidintu - Bel در فضای خالی زیر سنبل اهورامزدا زیر بال تصویر آورده شده . چون در قسمت بالای پانبشته ایلامی مربوط به شورشگر Fra Vartish بخاطر وجود تصویر سنبل اهورامزدا اصلا جای خالی وجود نداشت ناچار پانبشته های فارسی گئوماتا روی کناره راست دامن او کنده شده .

۲ - بند افزوده شده جدید (بند هفتاد) که با حساب دقیقی در آخرین قسمت

چهار ستون آخر درست زیر ستون چهارم قرار دارد آخرین قسمت متن فارسی را تشکیل میدهد .

این بند اینطور شروع میشود : « داریوش شاه گوید بخواست اهورامزدا این

است نوشته من که پدیداریش را فرمان دادم . بزبان آریائی (ایرانی) » .

متن ایلامی در آغاز، این بند را نداشته است چون خط فارسی باستان بهنگام

طرح ریزی متن ایلامی ظاهراً وجود نداشته است. متن بند ۷۰ ایلامی ناچاراً چون پشت سر متن ایلامی ۶۹ بندی جائی نبوده، درجائی که بعداً تعبیه شده در طرف چپ بالای پیکره‌ها در جای غیر مناسبی روی پائین‌شاه آورده شده است. حتی در این بند افزوده شده داریوش نمیتواند بگوید « این نوشته من است ». برای اینکه این متن در حقیقت بزبان ایلامی نوشته شده است. در بند ۷۰ متن ایلامی داریوش مینویسد: « داریوش شاه میگوید بخواست اهورامزدا فرمان دادم خط دیگری بسازند، بزبان آریائی که قبلاً وجود نداشته است ».

۳ - بند هفتاد بزبان بابلی بخاطر اینکه بر بدنهٔ مسخره جائی نبود نقرش بهیچ ترتیبی ممکن نشد.

۴ - در پائین‌شاه فارسی که بالای پائین‌شاه ایلامی است بند اول متن فارسی حاوی بند اول متن ایلامی نیست بلکه برابر است با بند اول متن ایلامی اصلی (متن ایلامی نمره ۱) البته از نظر فرم تکمیل تر. پس در پائین‌شاه فارسی تصویر داریوش جمله « من الان شاه هستم در پارس » آورده نشده است.

۵ - باید بگوئیم که متن کتیبه بزرگ فارسی باستان در بیستون در حقیقت ترجمهٔ متن ایلامی است که اصل آن بفارسی از طرف داریوش دبکته شده بوده و بلافاصله از طرف منشی‌های ایلامی به ایلامی ترجمه شده است. همچنین حدس میزنیم که ترجمهٔ مجدد آن از ایلامی بفارسی باستان قبل از نقر شدن برای تصویب بنظر داریوش رسانیده شده است. در این موقع داریوش چند تغییر کوچک در متن داده است. ما دخالت او را در ترجمهٔ بند های ۲۵ و ۲۸ مورد بررسی قرار میدهم. آنجا که از سپاهیان شاهنشاهی در ماد یا ارمنستان گفتگو است در متن ایلامی سنگ نبشته، در هر دو مورد اینطور میآید: « بعد (پس از جنگ) سپاهم کار دیگری نکرد بلکه صبر کرد تا من آمدم ». در متن جدید فارسی باستان جملهٔ « سپاهم کار دیگری نکرد » کاملاً حذف

شده است و این خیلی مهم است. در متن جدید نوشته شده است « بعد سپاهم صبر کرد تا من آمدم ». يك شاهد ديگر برای فرق بين متن ایلامی و فارسی داریم و آن این است که : در متن فارسی باستان در آغاز هر بند، جمله « داریوش شاه میگوید » میآید که در متن های بابلی و ایلامی این جمله وجود ندارد. بهر حال همه جا تغییرات کوچکی است که این تغییرات بنظر من خیلی روشن، دخالت دست داریوش را برای آخرین مرتبه در کارنامه تاریخیش نشان میدهد.

مرحله پنجم : پنجمین و آخرین مرحله بیستون مربوط میشود به دستگیری

سکونخای سکائی در سال سوم سلطنت داریوش یعنی در ۵۱۹ ق م.

بیکره سکونخا شاید ۵۱۸ ق م. به مجموعه بیستون افزوده شده است. در نتیجه اولین ستون سنگنبشته ایلامی صدمه دید و لازم آمد که چهار ستون متن ایلامی این بار در سه ستون زیر متن بابلی - طرف چپ متن فارسی کنده شود. بطوریکه کامرون مینویسد این متن کاملا از متن ایلامی قبلی گرفته شده است. همین زمان به متن فارسی يك ستون پنجمی نیز افزوده شده که در آن حوادث سال های دوم و سوم سلطنت داریوش نوشته شده است.

نتیجه : از حرفهائی که گفته شد برای بوجود آوردن خط میخی فارسی باستان

چه نتیجه میگیریم ؟ چون متن فارسی باستان در مرحله بندی من مرحله چهارم را شامل میشود تاریخ نقر آن يك مرحله جلوتر از سنگنبشته سکونخا خواهد بود که من برای آن ماده ۵۱۸ ق م. را قرار میدهم. بنابراین هفتاد بند متن فارسی باید در سال ۵۱۹ ق م. بوجود آمده بوده باشد. با این وصف از بند ۷۰ باید دستگیرمان بشود که خط میخی ایرانی جدید کمی جلوتر از کنده شدن آن در صخره بیستون بوجود آمده بوده باشد. برآستی داریوش در بند ۷۰ میگوید خط نو که بنا بر میل او شاید برای همه زبانهای ایرانی (نه فقط برای فارسی باستان) در نظر گرفته شده

بود روی سفال. و پرگامنت نوشته شده و بتمام ممالک فرستاده شده است که مردم برای تحصیل آن بکوشند. بنابراین من عقیده دارم که خط فارسی باستان در سال ۵۲۰ ق م شاید در يك اقامت زمستانی در بابل، زمانی که داریوش تصمیم گرفته بود که غیر از متن ایلامی يك متن بابلی نیز در بیستون بنویسند بوجود آمده است.

در این موقع ممکن است که داریوش دستورات لازمی به منشی های ایلامی و آرامی دولتی داده باشد که بالاخره برای ایرانیهای حاکم بر امپراطوری بزرگ نیز خطی بوجود بیاورند. سنگ نبشته های فارسی باستان در کاخ کورش در پاسارگاد همانطور که در ZDMG . 1954 . s . 117 - 127 نوشته ام (۱) بعدها بوسیله داریوش پدید آمده اند.

دولوحه های که منصوب به آرشام و آریارمن هستند با توجه به فرم زبان بکار رفته بزمان داریوش نزدیک تر هستند تا آرشام و آریارمن.

این لوحه ها بیشتر اعلانات سیاسی هستند تا گزارش تاریخی.

پس خط میخی باستان برای اولین مرتبه در ۵۲۰ ق م. بفرمان داریوش بوجود آمد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - این مقاله نیز که حاوی مدرکی بسیار ارزنده از نظر تحقیقات فارسی باستان

میباشد، وسیله اینجانب بفارسی برگردانده شده است و در آینده به چاپ خواهد رسید.